

کرم خوشحال

یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود

یک کرم خوشحال و خندان بود که در یک دندان پوسیده زندگی می کرد. کرم دندان بسیار خوشحال بود چون زندگی راحت و بی درد سری داشت. صبحانه و نهار و شامش همیشه راحت و رایگان برای او فراهم می شد و او هیچ کاری به جالم دادن و غذا خوردن نداشت.

صاحب دندان دختر بچه ای بود که هر چه پدر و مادرش از او می خواستند که بعد از غذا دندان های خود را مسواک کند او به حرفشان گوش نمی داد و می گفت : دندونای من هیچ مشکلی ندارن و کسانی باید مسواک بزنن که دندون های خراب و پوسیده دارن.

مادرش می گفت : عزیزم مسواک که فقط برای دندون های خراب و پوسیده نیست! همه باید مسواک بزنن تا از پوسیدگی و خراب شدن دندون هاشون جلوگیری کنند و دندونای سفید و قشنگی داشته باشن. دخترک بازیگوش می خندید و می گفت : نه مامان چون من می خوام برم و بازی کنم، وقت ندارم بعد از هر بار غذا خوردن دندونام رو مسواک کنم.

پدرش می گفت : دندون درد خیلی درد زیادی داره و ما دوست نداریم تو به خاطر مسواک نزدن دندونات خراب بشن و درد بگیرن. دخترک حرف پدرش را هم باور نمی کرد و می گفت : باباجون هر وقت دندونم درد گرفت اون موقع بهش فکر می کنم.

بله بچه ها دخترک بازیگوش باز هم مسواک نمی زد و برای همین هر وقت غذا می خورد مقداری از غذا لای دندان هایش باقی می ماند و برای کرم خوشحال غذای مناسبی آماده می شد. کرم آنقدر غذا خورده بود که خیلی چاق شده بود و دیگر جایش در دندان دخترک تنگ شده بود. وقتی می خواست از در خانه اش بیرون بیاد به سختی می توانست از در عبور کند و وقتی هم می خواست در خانه اش دراز بکشد پایش به دیوار رو به رو می خورد و نمی توانست درست بخوابد.

بنابراین تصمیم گرفت خانه اش را بزرگتر کند. یک چکش برداشت و محکم به دیوار کوبید تا دیوار خراب بشود و جایش بزرگتر بود. همین که کرم اولین چکش را به دیوار دندان کوبید دخترک از درد

جیغ کشید. کرم همینطور مشغول بزرگتر کردن خانه اش بود و دخترک از شدت دندان درد به گریه افتاده بود.

پدر و مادرش به سرعت او را به دندان پزشکی بردند و آنجا خانم دکتر مهربان دندان او را معاینه کرد و کرم را بیرون آورد. دندان کرم خورده ی دخترک را ترمیم کرد و به او گفت چون او مرتب مسواک نمی زده دندانش پوسیده شده است و اگر می خواند دیگر این اتفاق برایش نیوفتد باید همیشه و مرتب از مسواک و خمیر دندان استفاده کند. و روش درست مسواک زدن را هم به او یاد داد.

وقتی دخترک و پدر و مادرش از مطب دکتر بیرون آمدند دختر بچه که دیگر دردی احساس نمی کرد با شادی و لبخند به پدر و مادرش قول داد که از این به بعد به بهداشت دهان و دندانش اهمیت بدهد. غذاها و نوشیدنی هایی مثل نوشابه و یا غذاهای خیلی شیرین یا سفت که به دندان ها آسیب می زنند را نخورد و هر روز از مسواک و نخ دندان برای تمیز کردن دندان هایش استفاده کند. اما کرم دندان که حالا خانه اش را از دست داده بود راه افتاد تا خانه ی دندان جیدی برای خودش پیدا کند.

نویسنده: پرندۀ علایی

دانشنا

